

آشنایی با مکتب

Surrealism

# سورئالیسم



Sokout

محمد رضا خردمند

زمستان ۱۳۹۴

بِسْمِ اللَّهِ

آشنایی با مکتب

# سورئاليسم

گردآورنده: محمدرضا خردمند

زمستان ۱۳۹۴



## محمد رضا خردمند

سرشناسه: خردمند، محمد رضا، ۱۳۶۸

عنوان: آشنایی با مکتب سورئال

به کوشش: محمد رضا خردمند.

تعداد صفحه: ۳۸ ص.

طراح جلد: محمد افتخارزاده

محمد رضا خردمند

[www.mrkheradmand.ir](http://www.mrkheradmand.ir)

ایمیل: [ipa.sokout@yahoo.com](mailto:ipa.sokout@yahoo.com)

شماره تماس و پیامک: ۰۹۳۶۹۷۳۲۶۵۳ – ۰۹۱۶۳۴۶۰۵۳۸ – ۰۹۱۶۷۵۹۰۵۳۸

Instagram: mohammad\_reza\_kheradmand

Facebook: mohammad reza kheradmand

## تقدیم به

آنانی که دوستدار پاییز هستند و دلتنگ، صبور و عاشق.  
تکه ای از آسمان در چشمانشان و وسعت دریا در دلهایشان و با پنجره و انتظار،  
شب و باران آشنا اند.

تقدیم به عاشقان هنر...

## پیشگفتار

بسیار خوشحالم که کتاب "آشنایی با مکتب سورئالیسم" که یکی از مکتب های مورد علاقه بنده است و با استفاده از مقالات و مطالب بزرگان، اساتید، محققان، اندیشمندان و علاقه مندان در این زمینه گردآوری کرده ام را تقدیم خوانندگان گرامی می کنم.

"آشنایی با مکتب سورئالیسم" کوششی است آغازین در زمینه سورئالیسم برای علاقه مندان این مکتب تا هرچه بهتر با این دنیای بسیار لذت بخش و فراواقع آشنا شوند.

این کتاب که حاوی مطالب گردآوری شده در زمینه مکتب سورئال است با معرفی کلی و گاهاً جزئی کاری نو و البته همراه با خطاست. لیکن به عنوان شروع می تواند مورد استفاده پژوهشگران جوان قرار گرفته و برپایه آن بناهای عظیمی استوار گردد.

لازم به ذکر است که نظریه ها و رویکرد های مختلفی تا کنون در این زمینه منتشر و پدیدار شده و به دلیل اهمیت آن ها در این کتاب سعی بر جمع آوری مطالب هم سو بوده است.

امید است با برداشتن این نخستین گام، در انطباق تئوری و عمل این هنر گام های موثر بعدی با استواری و قدرت هرچه بیشتر برداشته شود.

خدا همه ما را به سوی آنچه رضا و خشنودی اش در آن است هدایت فرماید و به توفیق آنچه که شایسته است نایل آورد.

محمد رضا خردمند (سکوت)

زمان، زمان بی زمانیت؟!

مکان، مکانی مجهول؟!

## مختصری درباره سورئالیسم

سورئالیسم (Surrealism) جنبشی است در هنر و ادبیات که در دهه های ۱۹۲۰-۱۹۳۰ در فرانسه شکل گرفت.

بنای این مکتب ادبی و هنری بر اصالت خیال، رویا و تداعی آزاد و تصورات ضمیر ناخود آگاه است.

سورئالیسم بر خلاف کوبیسم که هنرمند را در محدوده خاصی منحصر می کرد، به هر نوع خیال پروری و خیال پردازی در حالت بیداری، اصالت هنری بخشید و آفرینش هنرمند را در بهره گیری از برخورد ها و برداشت های پیش بینی نشده و تصادفی و ابداعات نامتعارف آزاد گذاشت.

از همین رو است که حاصل کار هنرمندان این سبک، بسیار شخصی و کاملاً نامعمول و متمایز هستند.

از هنرمندان برجسته این مکتب می توان به "هانس آرپ"، "ماسون"، "خوان میرو"، "سالوادور دالی"، "مارک شاگال"، و "رنه ماگریت" اشاره کرد.

## سورئالیسم چیست؟

سورئالیسم یعنی بیان احساس یا اندیشه ی “خالص” بطوری که هیچ گونه زمینه ی فکری قبلی یا وابستگی ذهنی یا تعقیب و هیچ گونه ملاحظه ی اخلاقی یا قواعد هنری، ادبی و زیباشناسی، آن را برانگیخته و متاثر نکرده باشد. اصطلاح سورئالیسم برای اولین بار در سال ۱۹۱۱ م. توسط شاعر و نویسنده فرانسوی «آپولی نر» در مورد آثار مارک شاگال نقاش روسی مهاجر که در فرانسه اقامت داشت، بکار برده شد. در این سبک زمان و مکان مفهوم واقعی خود را از دست دادند و احساسات هنرمند از بند سنت های قدیمی رهایی یافت و حالات مختلف ذهنی آدمی از قبیل رویا، کابوس، خواب، و اوهام به تصادف ضمیر پنهان فرصت خودنمایی پیدا کرد. در تمام حالات فوق «عنصر خیال» به عنوان برجسته ترین عامل هنری مورد استفاده قرار می گیرد. هنرمندانی که پیرو این سبک بودند معتقدند که آثار خود را بر مبنای تداعی آزاد معانی و افکار و تصاویر و نوعی حالت خلسه و رویا بیان می کنند. در واقع سرچشمه این هنر، عالم رویا است. «جدا کردن دنیای درون از دنیای بیرون» از مهم ترین ویژگی های این سبک به شمار می رود.

سورئالیسم بیان و تثبیت تفکر دور از فرمان عقل است و رابطه ای با قوانین زیباشناسی ندارد.

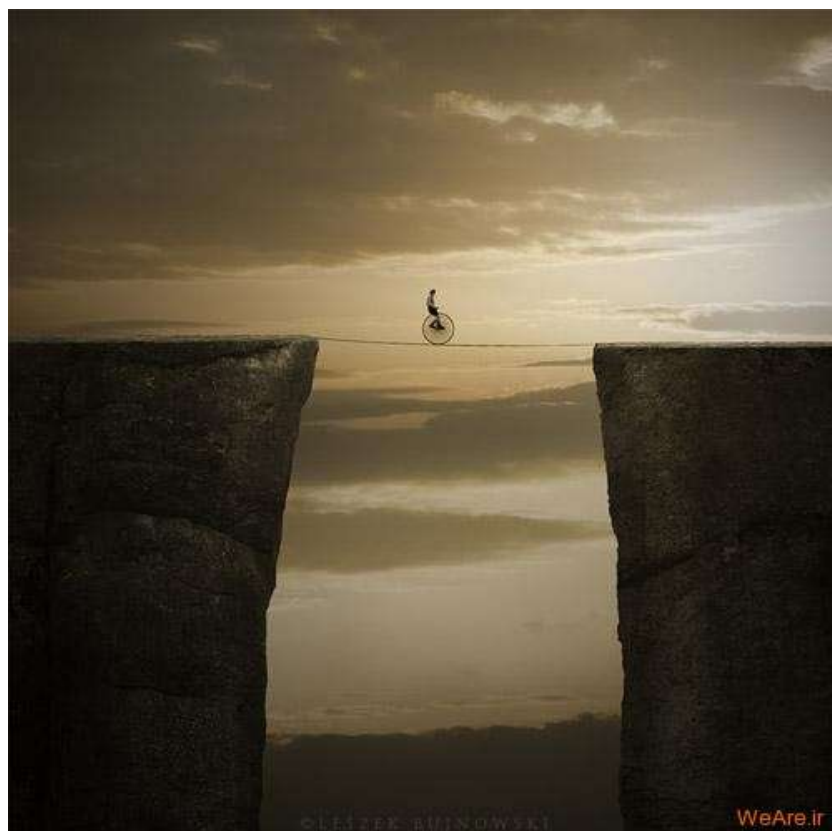
مکتب سورئالیسم بر سه اصل استوار است:

هزل

رویا و تخیل

دیوانگی

در زیر تصاویری سورئال و البته جذاب اثر هنرمند Leszek Bujnowski مشاهده می نمایید.







WeAre.ir



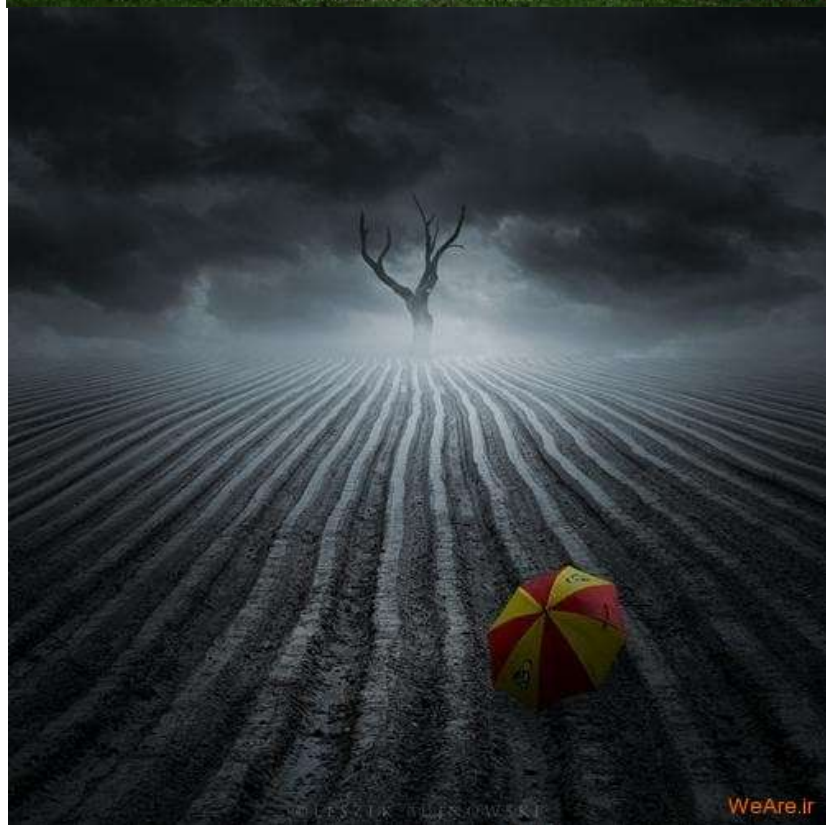
OLESZEK BUJNOWSKI

WeAre.ir



© LESZEK PIENOWSKI

WeAre.ir



© LESZEK PIENOWSKI

WeAre.ir

## آشنایی با سبک سوررئالیسم یا وهمگری

در سبک سوررئالیسم به قوه‌ی وهم، رویا و تداعی آزاد صور پنهان در ضمیر ناخودآگاه هنرمند اصالت داده می‌شود و هنرمند می‌کوشد تا در خلق اثر هنری از سیطره‌ی عقل و ادراکات حسی رها شود و به صورت‌های مکتوم در روح و روان خود تجلی خارجی بخشد.

یکی از بهترین نمونه‌های تعامل میان دست‌آوردهای متفاوت در دانش‌های بشری و تأثیر یک تئوری علمی بر دیگر عرصه‌های معرفت، مبحث ضمیر ناخودآگاه فروید و تأثیر آن بر روان‌شناسی جدید، فیلسوفان اگزیستانسیالیست و همچنین هنرمندان سوررئالیست است. فروید معتقد بود انسان همچون کوه یخی می‌ماند که یک‌دهم آن روی آب است و نه‌دهم آن زیر آب است و بخش معظم شخصیت انسان را برآیندی از آموخته‌های ناخودآگاه انسان در گذشته او می‌دانست؛ حتی بر این باور بود که بسیاری از علائق، سلیقه‌ها، تنفرها، امیال، و حب و بغض‌های او تحت تأثیر آموخته‌های ناهوشیارانه پیشین او است، به طوری که انسان بدون آن که دلیل علائق و سلیقه‌های خود را بداند، برخوردار از ویژگی‌هایی است که ناخواسته تحت تأثیر محیط، دوستان، والدین، رخدادها، محدودیت‌ها، ناکامی‌ها و شرایط اجتماعی در وجودش تحقق یافته است.

نظریه‌ی ضمیر ناخودآگاه را باید از انگشت‌شمار نظریه‌هایی دانست که در قرن بیستم توانست بر علوم متفاوت تأثیر ژرف گذارد و مورد بهره‌برداری قرار گیرد. از جمله سبک‌های هنری که تحت تأثیر این تئوری قرار گرفت، سوررئالیسم بود. سوررئالیست‌ها تحت تأثیر اندیشه‌های فروید و هانری برگسون، معتقد به جستجو در جهان رویا و ضمیر پنهان و معتقد به کشف و شهودی در لایه‌های پنهان درون بودند. هنرمندان سوررئالیست همچون آندره برتون، پیش از

گرایش به این سبک تحت تأثیر سبک دادائیسم بودند و سپس به سمت این سبک گرایش پیدا نمودند. نخستین بار واژه‌ی «سوررئالیسم» توسط آپولینر شاعر فرانسوی در سال ۱۹۱۷ به کار برده شد. وی این واژه را در تفسیر یکی از نمایشنامه‌های خود به کار برد. پس از این از سال ۱۹۲۰ این سبک به تدریج هنرهای تجسمی را فرا گرفت و بسیاری از هنرمندان دادائیست به این سبک پیوستند. در سال ۱۹۲۵ نخستین نمایشگاه از آثار سوررئالیست‌ها تشکیل شد که افرادی همچون کله (Klee)، ماکس ارنست (Max Ernest)، جورجو دا کیریکو (Chirico)، خوان میرو (J.Miro)، ماسون (Masson)، پیکاسو و پاره‌ای از نقاشان معروف در آن شرکت جستند و بعد از سال ۱۹۲۶ نیز به تدریج بعضی از شخصیت‌های برجسته نقاشی همچون ماگريت (Magritte)، سالوادر دالی (Salvador Dali)، جاکومتی (Giacometti)، تانگی (Tanguy) و شاگال (Chagall) به این سبک پیوستند. (۱)

در سبک سوررئالیسم به قوه‌ی وهم، رویا و تداعی آزاد صور پنهان در ضمیر ناخودآگاه هنرمند اصالت داده می‌شود و هنرمند می‌کوشد تا در خلق اثر هنری از سیطره‌ی عقل و ادراکات حسی رها شود و به صورت‌های مکتوم در روح و روان خود تجلی خارجی بخشد؛ آنان معتقد بودند هنر هرگز نمی‌تواند به وسیله‌ی عقل و هوشیار و بیدار آفریده شود و بر این باور بودند که با سست و کرخت شدن عقل و تفکر، کودک وحشی قوه توهم ما عنان اختیار وجودمان را در دست می‌گیرد و به خلق اثر دست می‌زند. سوررئالیست‌ها معتقد بودند هنر در غیبت عقلانیت آفریده می‌شود و هر چند در نگاه به خلق اثر هنری با نگاه عرفانی و افلاطونی فاصله دارند که اثر هنری را الهامی از صورت‌های عالم مثال، درون و یا برآمده از سروش غیبی می‌دانستند، اما این الهام را برآمده از ضمیر ناخودآگاه انسان می‌دانند که موجب خلاقیت در اثر هنری می‌شود. اعتقاد

سوررئالیست‌ها به همین مبنا موجب شد تا پاره‌ای از آنان برای رها شدن از حاکمیت عقل و اراده و یا ضمیر خودآگاه، به سمت مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی کشیده شوند تا بدان وسیله در هنگام آفرینش هنری به سوی ترسیمی ناهشیارانه از تصاویر پنهان روحی خود گام بردارند و نیروی تخیل خود را از نظارت عقلانی خارج سازند.

این هنرمندان معتقد بودند که هنرمند باید واقعیت‌های غریزی و رویایی خود را ترسیم کند و بر خلاف طرفداران سبک کوبیسم (Cubism) که فرم‌گرا بودند یا هنرمندان پوریسم (Purism) که به دقت‌های ریاضی و پیوستگی کامل میان اجزاء فرم دقت داشتند، به فرم و پیوستگی ریاضی اهمیت نمی‌دادند و معتقد بودند که هنرمند، گنگ خواب‌دیده‌ای را می‌ماند که باید به فرافکنی ضمیر ناخودآگاه و تصاویر موجود در آن پردازد و اشیاء را آن‌گونه ترسیم کند که به چشم یک شخص خواب‌دیده ظاهر می‌شود؛ به همین جهت در آثار نقاشی سوررئالیست‌ها، اشیاء به هیچ وجه شبیه واقعیت خارجی آن نیستند، بلکه واقعیت و رویا در هم می‌آمیزند یا به تعبیر دیگر در اثر آنان واقعیتی دیگر به وجود می‌آید، به طوری که همین امر موجب شده تا وفاداران به این سبک از شیوه‌ی خود به سوررئالیسم یا «واقعیتی برتر از واقعیت» تعبیر کنند.

به عنوان نمونه سالودار دالی در یکی از آثار خود با عنوان «حافظه پایدار»، فضایی خالی را که در آن زمان به پایان رسیده، ترسیم نموده است که در آن، اشیاء به شکل واقعی ترسیم نشده‌اند، ساعت در آن شبیه ژلاتین یا خمیر مجسمه‌سازی است و فضا و کوه ترسیم شده، شباهتی با نمونه‌ی خارجی خود ندارند. در تصاویر سوررئالیسم، تصاویر سحرآمیز و غیر زمینی است و مثل این است که انسان آن‌ها را در خواب می‌بیند، همان‌طور که در خواب، اشیاء شبیه

واقعیت نیستند و در شکل واقعی و طبیعی خود ظاهر نمی‌شوند و فرد ممکن است در یک لحظه احساس کند که در کلاس درس است، و همان لحظه خود را در ساحل دریا و یا وسط وان حمام تصور کند، در آثار این دسته از هنرمندان نیز این چنین است.

همان طور که انسان در حالت رؤیا یا مستی حاصل از مشروبات الکلی و یا در حالت هذیان حاصل از مصرف دوا بی‌هوشی به هیچ وجه نظم خاصی در دیدن اشیاء و یا سخنان خود ندارد و هیچ ارتباط منطقی میان تصاویر ذهنی او یا سخنانش وجود ندارد، گاه از زندگی خود سخن می‌گوید و گاه نیز به دیگران اعتراض می‌کند و یا از تنفرهای درونی خود سخن می‌راند، به طوری که سخنانی را که به زبان می‌آورد، در حالت هوشیاری از گفتن و یا ترسیم آنها احساس شرم دارد، همچنین هنرمند سوررئالیست نیز در ترسیم آثار خود از شاکله و یا نظم منطق پیروی نمی‌کند و عناصر تصویری و یا زبانی او از هیچ هارمونی و هماهنگی برخوردار نیست.

نقاشان سوررئالیست در رها نمودن تخیل خویش از سیطره عقل و قیود منطقی و عاقلانه به سوی تصاویر تصادفی و بداهه‌نگاری رفتند و آثار آنان برآمده از تخیلی بی‌قید و بند است. آنان معتقد بودند هنرمند در خلق اثر هنری نمی‌تواند برای کارش برنامه‌ریزی داشته باشد و با نظم منسجم به خلق اثر بپردازد، بلکه تداعی‌های مهار گسیخته‌ی این هنرمندان تحت تأثیر مصرف مواد مخدر حاکی از نوعی بی‌نظمی و آشفتگی بود، به طوری که اجزاء نقاشی گاه به طور نامرتبط و ناهماهنگ در کنار هم می‌نشست و به کاری طنز و مضحک تبدیل می‌شد و آثار این هنرمندان همچون بیماری روان‌پریش که به طور نامنظم سخن

می‌گوید و پریشان‌گویی می‌کند، مملو از عناصر و اجزاء تصادفی، التقاطی و ناهماهنگ است.

سبک سوررئالیسم هر چند در عرصه‌ی نقاشی توسط بعضی از نقاشان بزرگ همچون رنه ماگریت، آندره برتون، السالوادر دالی و دیگر نقاشان این سبک مطرح گردید، اما امروزه به جهت تصویر نمودن فضاهاى ناممکن و غیر واقعی، اعجاب‌انگیز و رویاگونه، شدیداً در سینما و فیلم‌سازی جای خود را باز نموده و مورد استفاده هنرمندان عرصه‌ی سینما به ویژه در ژانرهای تخیلی قرار می‌گیرد. از نخستین آثار سینمایی مبتنی بر سبک سوررئالیسم، فیلم «سگ اندلسی» و «عصر طلایی» است. این دو فیلم اثر بونوئل و با مشارکت سالوادر دالی سوررئالیست معروف، ساخته شده است و به تعبیر بعضی، این دو اثر سینمایی، مانیفست سینمایی سوررئالیست‌ها تلقی می‌شوند، به طوری که فیلم «سگ اندلسی» خوشایند آندره برتون بود و مورد رضایت او واقع گردید. (۲) این دو اثر سینمایی همچون همه‌ی آثار نقاشی سوررئالیست‌ها، رؤیاگونه و همراه با توصیفی خیالی از عناصر متضاد و پیچیده و گاه نامفهوم برای مخاطبان تلقی می‌گردد.

#### ● تفاوت الهامات عرفانی با رویاهای سوررئالیستی

همچنین باید میان الهام و شهود در عرفان و هنر عرفانی با الهام و شهود در نزد دادائئیست‌ها و سوررئالیست‌ها تفاوت گذارد؛ الهام و شهود در عرفان و هنر عرفانی بر اثر ریاضت و صیقلی کردن درون به دست می‌آید و در واقع این لطافت روح است که به صورت کشف و شهود و یا خلاقیت هنری متجلی می‌شود و ظهور پیدا می‌کند. از این رو خلاقیت در حوزه‌ی عرفان و هنر، برآمده از ضمیر خودآگاه و محصول «من» برتر و استعلایی است اما در اندیشه‌ی

سوررئالیست‌ها، الهام به معنای تصویربخشی توهمات، خواسته‌ها و فرافکنی امیال سرکوب‌شده‌ی هنرمند است که از ضمیر ناخودآگاه او می‌تراود و شکل هنری به خود می‌گیرد؛ به همین جهت «من» سوررئالیسم یک من فرودین است نه یک من برتر. هنرمند از دیدگاه مکتب سوررئالیسم، گنگ خواب دیده‌ای است که به رویا، خواسته‌ها و توهمات خویش جلوه‌ی هنری می‌دهد و الهام از نظر او، آمادگی هنرمند است تا حالات و جلوه‌های ذهن و نفس خویش را به شکل هنری بیان کند. لویی آراگون از نخستین بنیان‌گذاران سوررئالیسم، الهام را این‌چنین تعریف می‌کند: «آمادگی در بست برای پذیرفتن اصیل‌ترین حالات ذهن و قلب انسانی، آمادگی برای پذیرفتن واقعیت برتر» (۳). به این ترتیب در سوررئالیسم همچون هنر عرفانی، کوشش ارادی طرد می‌شود، به این معنا که عرصه آماده می‌شود تا به تخیل و اوهام ذهنی و روانی هنرمند، شکل خارجی و هنری داده شود؛ به طوری که مرز عقل و جنون در سوررئالیسم برداشته می‌شود و تخیل، حاکمی مطلق‌العنان می‌گردد که هیچ حد و مرزی نخواهد داشت. اما الهام و مکاشفه در نزد سوررئالیست‌ها به معنای تجلی غیر ارادی حالات و تصاویر دنیای موهوم درون است که هذیان‌های ذهن و روان نام‌گرفته است و مبهم، آشفته و مغشوش به نظر می‌رسد و اصلاً در معنایی به کار نمی‌رود که در عرفان و یا هنر عرفانی مورد توجه است. در عرفان و هنر عرفانی روح انسان بر اثر تمرکز و مراقبه، توهمات و آشفته‌گی‌های خود را از دست می‌دهد و به آرامش و طمأنینه می‌رسد و الهام و مکاشفات روح که فیلسوفان و عارفان از آن سخن گفته‌اند بر اثر یک نظم و انضباط روحی حاصل می‌شود و میوه‌ی شیرین درخت معرفت باطنی است نه این‌که بر اثر رویازدگی، امیال سرکوب‌شده و یا خواب مغناطیسی، هر گونه استفراغ روحی را الهام و مکاشفه بپنداریم. به همین جهت پاره‌ای از اندیشمندان درباره‌ی سوررئالیسم معتقدند که سوررئالیسم را نباید



حقیقتی فراتر از واقع‌گرایی دانست بلکه باید آن را دون واقع‌گرایی دانست . سید حسین نصر در این باره می‌گوید : «سوررئالیسم در هنر را باید دون واقع‌گرایی (Subrealism) خواند. این شکستن از زیر، عمدتاً بابتی را برای تابش نور حق از بالا، همان «فوق - واقع» به معنای حقیقی باز نکرد، بلکه راهی برای ظهور عناصر نازل، روان و در نهایت برای ظهور چیزی که دون بشری است، گشود... این «خود»، نه آن «خود» که هندوها آتمن می‌نامند، بلکه همان ضمیر فردی است» (۴)

پاورقی‌ها

۱- پرویز مرزبان، خلاصه تاریخ هنر، چاپ سیزدهم، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، س ۱۳۸۴، ص ۲۴۰.

۲- بهزاد رحیمیان، روزنه راهنمای فیلم، انتشارات روزنه، تهران، س ۱۳۷۹، ج اول، ص ۵۴.

۳- رضا سید حسینی، مکتب‌های ادبی، انتشارات زمان، تهران، ۱۳۴۰، ج ۲، ص ۴۵۸.

۴- ر.ک به کتاب هنر و معنویت، گردآوری انشاء الله رحمتی، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران، ۱۳۸۳، ص ۱۸۶.

نویسنده: سید رضی موسوی گیلانی

منبع: فیروزه

## معرفی سبک سوررئالیسم

### فراواقع‌گرایی

فراواقع‌گرایی یا سوررئالیسم یکی از جنبش‌های معروف هنری در قرن بیستم است. زمانی که دادائیسم در حال از بین رفتن بود، پیروان آن به دور آندره برتون که خود نیز زمانی از دادائیست‌ها بود گرد آمدند و طرح مکتب جدیدی را ریختند که در سال ۱۹۲۲ به طور رسمی فراواقع‌گرایی نامیده شد.

این جنبش در عمل با انتشار مجله انقلاب فراواقع‌گرا توسط برتون آغاز شد.



www.persianGFX.com

## تاریخچه

فرا واقع گرایی (سوررئالیسم) محصول تغییرات بعد از جنگ جهانی اول و فراموشی دادائیسیم بود که از سال ۱۹۲۱ آغاز شد. ظهور سوررئالیسم زمانی بود که نظریه های فروید روانشناس اتریشی درباره ضمیر ناخودآگاه و رویا و واپس زدگی (سرکوب)، فرهیختگان اروپا را به خود مشغول کرده بود.

آندره برتون و لویی آراگون (عکس پایینی) که هر دو پزشک امراض روانی بودند از تحقیق های فروید الهام گرفتند و پایه مکتب جدید خود را بر فعالیت ضمیر ناخودآگاه بنا نهادند.



[www.persianGFX.com](http://www.persianGFX.com)

وی معتقد بود ادبیات نباید به هیچ چیز به جز تظاهرات و نمودهای اندیشه ای که از تمام قیود منطقی و هنری یا اخلاقی رها شده باشد پردازد و در اعلامیه ای که انتشار داد نوشت:

"سورئالیسم عبارت است از فعالیت خود به خودی روانی که به وسیله آن می توان خواه شفاهاً و خواه کتباً یا به هر صورت و شکل دیگری فعالیت واقعی و حقیقی فکر را بیان و عرضه کرد."



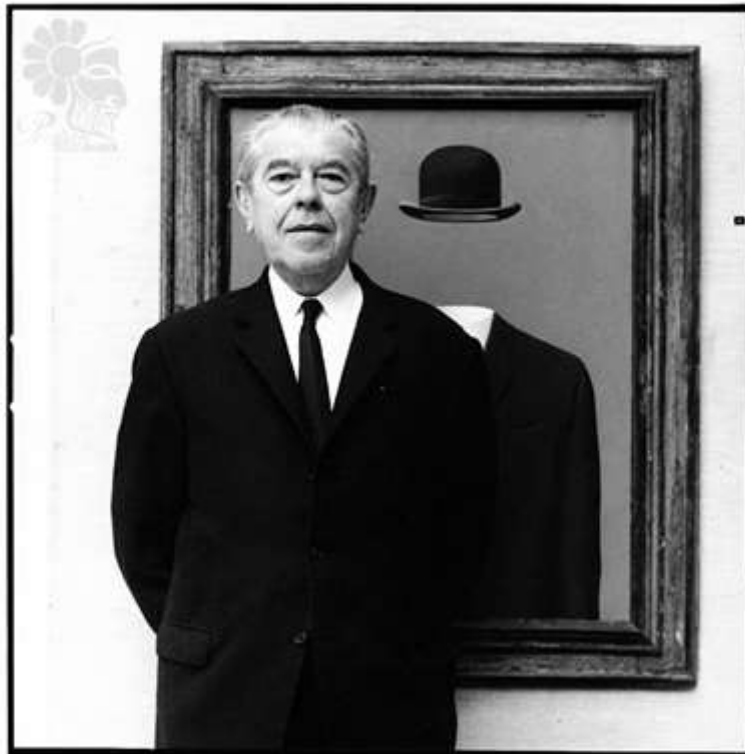
[www.persianGFX.com](http://www.persianGFX.com)

در سورئالیسم هدف هنرمند این است که یک واقعیت تازه و مطلق در بیاورد، به عبارت دیگر واقعیت و رویا را به هم بیامیزد "واقعیتی برتر از واقعیت" بیافریند.



[www.persianGFX.com](http://www.persianGFX.com)

از مشهور ترین هنرمندان سورئالیست، "سالوادوردالی" (عکس بالایی) و "رنه  
ماگریت" (عکس پایینی) هستند.



[www.persianGFX.com](http://www.persianGFX.com)

سورئالیست ها می گویند بسیاری از تصورات و تخیلات و اندیشه های آدمی هست که انسان بر اثر مقید بودن به قید اخلاقی و اجتماعی و سیاسی و رسوم و عادات از بیان آن ها خودداری می کند و این تصورات را به اعماق ضمیر پنهان خویش می راند.



[www.persianGFX.com](http://www.persianGFX.com)

این قبیل افکار و اندیشه ها و آرزوها غالباً در خواب و رویا و در شوخی ها و حرف هایی که از زبان انسان می پرد تجلی می کند و سورئالیستم طرفدار بیان صادقانه و صریح این قبیل افکار و تصورات و اوهام و آرزوها است.

سورئالیست ها فعالیت اصیل انسان را همان فعالیت رویا مانند ندای درونی دنیای ناخودآگاه می دانند.



[www.persianGFX.com](http://www.persianGFX.com)

از دیگر سورتالیست های معروف می توان به "پل الوار" (عکس بالایی) و "گیوم  
آپولینر" (عکس پایینی) اشاره کرد.





[www.persianGFX.com](http://www.persianGFX.com)

## سورئالیسم در سینما و عکاسی

دوران شکل گیری سورئالیسم تقریبا با اولین موفقیت های سینمای صامت همزمان است. با گسترش سینما در قرن ۲۰ م بسیاری از سورئالیست ها، رسانه ای آرمانی یافتند که می توانستند با آن دنیا های دیگر را کاوش کنند.

## اعتقاد سورئالیست ها:

سینما را شیوه ی بیان شورانگیزی می شمردند؛ وسیله انصراف خاطر یا "شگفتی آفرین" با نیروی تاثیر گذاری که می توانند فرد را برای لحظاتی از زندگی شخصی خود جدا کنند.

از این رو سورئالیست ها به صورت غیر عادی به سینما می رفتند: آنها وارد یک سالن سینما می شدند و بدون توجه به دنباله و پایان فیلم بیرون می آمدند و به سراغ سالن دیگر می رفتند، از فیلمی به فیلم دیگر بی آن که کوچکترین توجهی به سناریو فیلم داشته باشند و تنها به تصویرهایی توجه داشتند که جدا از زمینه ی روایی شان بهانه ای می شد برای رویا و ساختارهای خیالی.

آنها در ساخت فیلم نیز از مونتاز برای ایجاد فضای سورئال استفاده می کردند . چرا که مونتاز فیلم امکان می دهد که زمان و مکان را به کلی زیر رو کنند و واقعیت و خیال را در نمایشی محسوس در آمیزند . من ری، هانس ریشتر، فرانسیس پیکابیا هنرمندانی بودند که با رویکرد سورئالیستی به تجربه گرایی در فیلم پرداختند. ورنه کلر و بونوئل نیز هر دو کارشان را با همکاری سورئالیست ها آغاز کردند.



www.persianGFX.com

لوئیس بونوئل و سالوادور دالی در ۱۹۲۸ با همکاری هم فیلم "سگ آندلسی" را ساختند که یک فیلم سورئالیستی تمام عیار محسوب می شود. مثلاً در یکی از سکانس ها: ابری از برابر ماه می گذرد و در پلان بعد تیغی چشمی را در می آورد. یا در سکانسی دیگر از این فیلم: مرد جوان دهان خود را از چهره اش جدا می کند و کف دستش می گیرد. زن از این عمل ناراحت می شود و موهای زیر بغل خود را می نگرد؛ مویی وجود ندارد، سپس مبهوت می شود چون موها مانند ریش بر چهره مرد است. یا نمایی از فیلم که خرهای مرده بر روی پیانوهای خودنمایی می کنند. و دستی که از آن مورچه بیرون می آید!

از دیگر فیلم های بونوئل، این سینما گر شاعر: عصر طلایی، فراموش شدگان، سرزمین بی نان، ملک الموت و ...



www.persianGFX.com

بطور کلی می توان گفت : سورئالیست ها در فن سینما توگرافی، مجموعه ای از وسائل را پیدا می کنند که مخصوصا می تواند بازگوی رویاها و اشتیاق و فعالیت های ضمیر ناخودآگاه باشد. یک فیلم سورئالیستی از طریق ذهن بر عواطف تاثیر می گذارد و فرد را از ضمیر آگاه به ضمیر ناخودآگاه می برد. اگر جنبش سورئالیسم به خودی خود عمر کوتاهی داشتف تاثیرش هنوز کاهش نیافته است . این جنبش به خودی خود یک چیز است. و حساسیتی که آن را ایجاد کرد و هنوز ادامه دارد کاملا چیز دیگری است

"وقتی کودک بودم، مانند یک کودک سخن گفتم . مانند یک کودک فهمیدم . مانند یک کودک فکر کردم.

اما وقتی مرد شدم، چیزهای کودکانه را کنار گذاشتم. "

فیلمنامه سگ آندلسی



[www.persianGFX.com](http://www.persianGFX.com)

چیزی که امروز در دنیای عکاسی شاهد آن هستیم به تصویر کشیده شدن سورئالیسم توسط دوربین عکاسی است. در هم آمیختگی واقعیت و توهم.

آنچه بیش از هر چیز روش سوررئالیستی را مشخص می کند نوعی آزادی مطلق در شکل و محتوا است که سوررئالیست ها از آن با عنوان : نوشتار و بیان اتوماتیک یا خود کار نام می برند. و یا شاید تقلیدی آگاهانه از تابلوهای نقاشی دالی و دیگر نقاشان سوررئالیست. شاید به جرات بتوان گفت سوررئالیسم بیشتر حرکتی تجسمی است تا ادبی، نفی واقعیت از خلال دگرگون کردن تصویر و بهم ریختگی عناصر تجسمی.

و شاید بتوان ادعا کرد که بزرگترین دستاورد سوررئالیسم گسترش دیدگاه های فرویدی در تصاویر بود و از این طریق راه بر گرایش های نمادین، ذهن گرایانه و تفسیری از فرا واقعیت گشود.



www.persianGFX.com

## طراحی صحنه سوررئالیستی

این نظریه بر اساس تحقیقات انجام شده با همین نام است البته با توجه به این نکته که در مورد طراحی صحنه سوررئالیسم به طور خاص، هیچ منبعی موجود نمی باشد، این نظریه را بر اساس بررسی تمام جنبه های بصری و فکری این جنبش دادم: طراح صحنه ی سوررئالیسم نیز مانند همه ی هنرمندان این جنبش به دنبال آن است که در ذهن تماشاگر تغییر ذهنیت ایجاد کند و او را از واقعیت ظاهری به حقیقت برساند. او این کار را با برانگیختن ضمیر نا خودآگاه تماشاگر انجام می دهد، با ایجاد فضایی که بتواند ضمیر خودآگاه تماشاگر خود را در بیرون از صحنه نگه دارد و به او تجربه ای بدهد تا به حال کسب ننموده است. طراح صحنه با ایجاد فضایی غافل گیر کننده و حیرت انگیز به گونه ای که رویا و واقعیت را در خود و با هم تدامان داشته باشد، می تواند به سمتی برود که اعتماد به واقعیت عقلانی را متزلزل کند. این شیوه طراحی صحنه از طریق ذهن ،

بر عواطف تماشاگر خود تاثیر می گذارد. برای ایجاد این فضای غافل گیر کننده و حیرت انگیز راه هایی با توجه به تحقیقات انجام شده ارائه می دهیم:

۱- استفاده از اشیایی به عنوان آکسسوار صحنه که اشیاء سوررئالیستی هستند و در پس زمینه ذهن تماشاگر به گونه ای دیگر بوده اند. این استفاده ، در ضمیر خودآگاه تماشاگر ایجاد شک می کند. مانند شیء سوررئالیستی "صبحانه در خز" اثر "مرت اوپنهایم" که یک فنجان و نعلبکی وقاشق پوشیده در خز است. همچنین استفاده متفاوت از اشیاء شناخته شده ی ضمیر خودآگاه ؛ مثل اینکه از تلفن برای تمیز کردن کفشها استفاده شود. به این عمل، همان گونه که در قسمت سوررئالیسم در مجسمه سازی توضیح دادم، بازی با شگفتی ها نام داده اند.

۲- طرح صحنه میتواند با استفاده از عناصر دیداری متضاد که با تصویرهای ذهنی ارتباط دارد ، فضایی شگفت آور ایجاد کند و با این کار میتواند خوف و حیرت را از نو در انسان بیدار سازد.

۳- طراح صحنه سوررئالیسم میتواند با رویکردی به هنر کودکان انسان های بدوی، به نوع تازه ای از اختصار ، سادگی و ارزش اولیه در بیان دست یابد که برای سنت ها و شیوه های منطقی تفکر انسان امروز ناشناخته اند. «پل کله» نیز از این روش برای رسیدن به ژرفای طبیعت آدمی استفاده کرد.

۴- استفاده از شیوه ای اتوماتیستی و غریزی ، می تواند طراح صحنه را بسیار یاری رساند. د ان گونه صحنه ها نه تنها عناصر خیالی دیده می شود بلکه چیزهایی وجود دارد که در ضمیر ناخودآگاه طراح بوده و می تواند بر ضمیر ناخودآگاه تماشاگر تاثیر فراوان بگذارد. در این گونه صحنه پردازی ها ، طراح با بیان خود انگیزته و زندگی نا شناخته و نهان ، بر ضمیر ناخودآگاه تماشاگر تاثیر

می گذارد. "خوان میرو" در نقاشی های خود از این شیوه بسیار استفاده نموده است.

۵- طراح صحنه می تواند با آشنایی زدایی فضای ملموس به صحنه سوررئالیسم نزدیک شود. برای توضیح بیشتر مثال می آورم؛ بر اساس نظریه فروید، خانه دیگر محل امن نیست بلکه مکانی و همناک و آزار دهنده است و بر اساس همین نظریه، فضای داخلی به عنوان محیطی نا امن و آزار دهنده، یکی از تم های سوررئالیستی است. بهترین هنر مندی که این فضا را توانسته به عرصه ی ظهور برساند "رنه ماگریت" است. البته این آشنایی زدایی ها می تواند در مورد فضا های گوناگون انجام شود، مثال دیگر آن کلیسا در کارهای «لوئیس برنوتل» است.

۶- طراح صحنه سوررئالیسم می تواند با استفاده از کژ نمایی های غریب، موجودات هیولوار و صحنه های شوم مانند آنچه در نقاشیهای "سالوار دووالی" دیده می شود بر ضمیر ناخودآگاه تماشاگر خود نفوذ کند و او را به واقعیت برتر برساند. البته افرادی چون رنه ماگریت این استفاده را لزومی برای سوررئالیستی شدن صفحه نقاشی و صحنه خود ندانسته اند بلکه آنه با استفاده از سنجیدگی اندیشه و بویژه نوعی منطق تصویری، توانسته اند بر راز پردازی صحنه تسلط یابند و این کار را با استفاده از اشیاء غیر مرتبط در محیطی غیر متناجس انجام داده اند که خالق این شیوه را دالی دانسته اند.

۷- طراح صحنه ی سوررئالیسم می تواند با به طنز و شوخی گرفتن شناخته های بشریت، از حالت های جدی و پر صلابت جلوه های زندگی دوری کند و همچنین می تواند رنگ هارا به التهاب بکشاند و از تفکرات "فروید" برای شناساندن حقیقت برتر و تلقیات رویاها بهره برد. کاری که "دالی" به خوبی در نقاشی هایش انجام داده است.



۸- "آنتون آر تو" که از نظریه پردازهای سوررئالیست ها بوده نیز نظریه های در مورد صحنه ارائه داده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت:

او معتقد است که در تئاتر سوررئالیسم باید تماشاگر را تحت فشار شدید احساسی و عاطفی قرار دارد تا متوجه درون خود و مرکز احساسی و عاطفی و حیوانی و غریزی خود شود. این روش باعث شده که تماشاگر از خود بی خود شده و متوجه ضمیر ناخودآگاه خود شود "آر تو" معتقد است برای رسیدن به این هدف، تماشاخانه های سنتی و متعارف و با فاصله میان تماشاگر و بازیگر، نمی تواند او را به این هدف برساند. همچنین او پیشنهاد استفاده از اصوات بلند، نور، نساویر تند و قوی و لوازم صحنه و هر امر دیگری که فشار لازم را بر احساسات و عواطف تماشاگر وارد می کند مطرح کرد.

۹- بسیاری از تابلوهای نقاشان سوررئال قابلیت سه بعدی شدن و تبدیل به صحنه ای برای یک نمایش را دارند. به طور مثال بسیاری از تابلوهای دالی مانند "زایش میل مایعات" و... این قابلیت را دارند که به یک صحنه نمایشی تبدیل شوند. این کار را یک طراح صحنه مجاری الاصل به نام «رالف کولتای [۱]» انجام داده است. او در نمایش «سیاره ها [۲]» (۱۹۹۰) صحنه ای را که برای پرده ی سیاره مشتری انتخاب کرده است را از تبدیل تابلوی "فرزند انسان" رنه مگریت به یک فضای سه بعدی طراحی کرده است. این انتخاب شاید به این دلیل انجام شده باشد که در آن سالها هنوز توهم موجود حیات در مشتری وجود داشته. توضیحی که در مورد "رالف کولتای" باید بدهم این است که او اعتقادی به بازسازی واقعیت بیرونی ندارد، بلکه معتقد است که «طراحی صحنه در اصل پیدا کردن استعاره و رمز بصری نمایش است. [۳]» «انتزاعی گری [۴]» شاخصترین ویژگی اوست که نمونه ای از آن را در طراحی صحنه نمایش "سیاره ها" می بینیم. او

هنرمند پر کاری است و بیش از ۲۰۰ اثر را طراحی کرده و بسیاری از جوایز را بدست آورده است. از کارهای موفق او در دهه ی شصت، نمایش "هر طور میل شماست" نوشته ی "شکسپیر" (۱۹۶۷) است که جایزه ی منتقدین تئاتر انگلستان را بدست آورد. از کارهای موفق او در دهه ی هفتاد، «تاورنر [۵]» است و همچنین از دیگر صحنه آرای برجسته ی او می توان به "سیرانو دو برژاک" (۱۹۸۴) اشاره کرد که جایزه ی CBE را از آن خود او کرد. «کولتای در سال ۲۰۰۰ جایزه ی ویژه ی خدمات فنی و هنری به تئاتر را دریافت کرد [۶]»

از جمله طراحان صحنه ی دیگر که معتقد است در صحنه باید به ذات و ماهیت اشیاء نزدیک شویم، «یاروسلاو مالینا [۷]» است. او معتقد است که این کار از طریق ترکیب دو وجه عقلانی و عاطفی میسر است. در کارهای مالینا طرح های ترکیبی و کلاژ گونه و همچنین فضاهای شاعرانه فراوان دیده می شوند، (تصویر ۳۵) از جمله در نمایش "لئون ولنا" (۱۹۷۶) و "خرگوش، خرگوش" (۱۹۹۵). برخی از آثار ایشان عبارتند از: "رویای شب نیمه تابستان" (۱۹۸۴)، "مرلین" (۱۹۸۸)، "بازی حشره ها" (۱۹۹۰) و "اتللو" (۲۰۰۰). [ralphkoltai.com](http://ralphkoltai.com)

۱۰- استفاده غیر متعارف از جنسیت های مختلف در صحنه. مانند انواع شیشه ها، آینه ها، فلزات و... به طور مثال «ویلیام متیوز [۸]» طراح نمایش «اگر فکر می کنی حق با توست پس حق با توست [۹]» (تصویر ۳۶) نوشته ی "پیر ادللو"، «با قرار دادن غیر طبیعی آینه ی رنگی بزرگی در عقب صحنه که هم راه ورودی را نشان می دهد و هم تصویر وارونه کنشی را که بر صحنه در حال وقوع است، سعی شده تا محتوای غیر منطقی نمایش "اگر فکر می کنی حق با توست پس حق با توست"، منتقل شود. [۱۰]» [asyoulikeit.com](http://asyoulikeit.com)

البته این استفاده از جنسیت ها به طور غیر متعارف باید به گونه ای انجام شود که اکسپرسیونیستی نشود. به طور مثال استفاده بیش از حد و غیر لزوم از آینه های محدب و مقعر، فضا را به سمت اکسپرسیونیستی شدن پیش می برند و اگر در نمایش این لزوم احساس نشده باشد، طراح به خطا رفته است.

در پایان امید وارم مطالب ارائه شده مفید و مورد استفاده واقع شود. البته می دانم به دلیل کمبود منابع هنوز مطالبی هست که این جانب نتوانسته ام ارائه دهم. ولی آرزومندم طراحان صحنه بتوانند در این زمینه موفقیت های زیادی بدست آورند.

Ralf Koltai-۱

planets-۲

[۳] - ارجمند. مهدی-طراحی صحنه، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۷۴

Abstraction-۴

Taverner-۵

[۶] - همان. ص ۱۷۴

Jaroslave Malina-۷

William Mathews-۸

Are Right You Are If You Think You-۹

[۱۰] - پارکر، اوژن. وولف، کریگ-طراحی صحنه؛ مریم مجد، تهران، سمت، ۱۳۸۷، چاپ اول. ص ۸۰

برای شناخت بیشتر این سبک از طراحی صحنه به سایت زیر مراجعه نمایید:

<http://www.ralphkoltai.com>

## تصاویری از تئاترهای سورئال



نمایش "یکشنبه" بر اساس متنی از ژان میشل ریب به کارگردانی امید دوستی (سورئال - ابزورد)



نمایش "آنسفالیت" به کارگردانی سیاوش بهادری راد (سمبولیستی - سورئال)

## منابع:

خبرگزاری فارس

همشهری آنلاین

سایت خبری تئاتر

خبرگزاری هنر آنلاین

مجله علمی هنری weare

persiangfx

vanvis.blogfa

ralphkoltai

همین.

پایان

آشنایی با سورتالیسم

محمد رضا خردمند

زمستان ۱۳۹۴